



دعوای ابطال و اصلاح شناسنامه در رویه دادگاهها

حسین زینالی
وکیل دادگستری



فهرست کلی

مقدمه	۹
معرفی ونمونه دادخواست دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه	۱۳
معرفی دعوی اصلاح و ابطال شناسنامه	۱۵
مبحث اول: دعوی تغییر سن تولد	۱۵
مبحث دوم: دعوی تغییر نام و نام خانوادگی	۱۹
مبحث سوم: هیئت حل اختلاف	۲۱
دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه در آراء دیوان عالی کشور	۲۹
مبحث اول آراء وحدت رویه	۳۱
مبحث دوم: ابطال و اصلاح شناسنامه در آراء شعب دیوان عالی کشور	۹۹
دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه در آراء دادگاهها	۱۱۷
دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه در نشست‌های قضایی	۱۸۷
دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه در نظریه‌های مشورتی	۱۹۵
دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه در قوانین و مقررات قانونی	۲۰۷
مصوب ۱۶ تیر ۱۳۵۵ مجلس شورای ملی با اصلاحات بعدی	۲۰۹
آیین‌نامه اجرایی تبصره (۲) اصلاحی ماده(۵) قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۶۳	۲۳۱
قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب ۱۳۵۷	۲۳۵
قانون تخلفات ، جرایم و مجازاتهای مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه	۲۳۶
آیین نامه طرز رسیدگی هیأت‌های حل اختلاف موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال	۲۴۲
قانون الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع ایرانی	۲۴۶
آئین نامه اجرایی قانونی الزام اختصاصی شماره ملی و کدپستی	۲۴۸
از قانون مدنی	۲۵۳
منابع و مأخذ	۲۵۵

فهرست جزئی

مقدمه	۹
معرفی و نمونه دادخواست دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه	۱۳
معرفی دعوی اصلاح و ابطال شناسنامه	۱۵
مبحث اول: دعوی تغییر سن تولد	۱۵
گفتار اول: مرجع صالح به دعوا دادگاه می باشد	۱۶
گفتار دوم: مرجع صالح به دعوا کمیسیون ثبت احوال می باشد	۱۷
مبحث دوم: دعوی تغییر نام و نام خانوادگی	۱۹
گفتار اول: تغییر نام (اسم کوچک)	۱۹
گفتار دوم: تغییر نام و نام خانوادگی (نام فامیلی)	۲۰
مبحث سوم: هیئت حل اختلاف	۲۱
گفتار اول: صلاحیت هیئت حل اختلاف	۲۱
نمونه دادخواست تغییر نام و نام خانوادگی	۲۴
نمونه دادخواست الزام به تغییر نام فرزند	۲۵
نمونه درخواست تغییر نام	۲۶
نمونه درخواست تغییر سن از کمیسیون	۲۷
دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه در آراء دیوان عالی کشور	۲۹
مبحث اول آراء وحدت رویه	۳۱
۱. اثر شهادت شهود در مورد تغییر نام مندرج در شناسنامه	۳۱
۲. صلاحیت محاکم دادگستری در رسیدگی به دعوی ابطال شناسنامه	۴۶
۳. در مورد رسیدگی به دعوی راجع به نام اشخاص	۴۹
۴. در مورد صلاحیت دادگاه‌های دادگستری در رسیدگی به تقاضای تغییر نام	۵۲
۵. اصلاح و تغییر مندرجات اسناد سجلی از حیث تاریخ تولد	۵۵
۶. صلاحیت دادگاه مدنی خاص در رسیدگی به دعوی اثبات نسبت مادر و فرزند	۵۹
۷. درخواست اصلاح تاریخ تولد به استناد استشهادنامه و گواهی پزشک	۶۴
۸. آراء سابق الصدور دادگاه‌ها	۶۸
۹. مرجع رسیدگی و اظهارنظر نسبت به درخواست تغییر تاریخ تولد	۷۳
۱۰. زانی پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر	۷۸
۱۱. اتخاذ تصمیم شورای تأمین شهرستان برای فردی که تابعیتش مورد تردید واقع	۸۳

۱۲. دعوی اعسار (از پرداخت محکوم به از نوع دیه) افراد بالغ کمتر از هجده سال قابل... ۸۹
۱۳. ماده ۴ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ دادگاه محل اقامت خواهان ۹۴
- مبحث دوم: ابطال و اصلاح شناسنامه در آراء شعب دیوان عالی کشور ۹۹
۱. خواستار اصلاح شناسنامه و حذف نام همسر و اولاد برادر ۹۹
 ۲. مرجع رسیدگی به تغییر سن به میزان بیش از ۵ سال ۱۰۱
 ۳. معروفیت به آربین در منزل و آرش در مدرسه ۱۰۲
 ۴. اصلاح شناسنامه (تغییر نام از حمید به حمیده) ۱۰۳
 ۵. مرجع رسیدگی به دعاوی به تغییر نام اشخاص ۱۰۴
 ۶. صدور حکم الزام خوانده دعوی یا بایستی مبنای قراردادی داشته باشد یا مبنای ۱۰۶
 ۷. رسیدگی به دعاوی تغییر نام‌های غیر ممنوعه در صلاحیت محاکم دادگستری است. ۱۰۸
 ۸. صلاحیت رسیدگی به تغییر نام‌های ممنوع ۱۱۰
 ۹. با توجه به شهادت شهود که دلالت بر صحت ادعای خواهان دارد حکم به اصلاح ۱۱۲
 ۱۰. ابطال شناسنامه موجود و صدور شناسنامه جدید ۱۱۳
 ۱۱. اصلاح نام مادر فرزندش که رقیه است و در شناسنامه فرزندش زبیده قید ۱۱۴
- دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه در آراء دادگاهها ۱۱۷**
۱. ابطال سند سجلی به علت صدور برای دیگری و صدور شناسنامه جدید ۱۱۹
 ۲. شرط تغییر نام ۱۲۱
 ۳. حق تعیین نام توسط اولیاء طفل ۱۲۲
 ۴. ابطال آرای مراجع ثبت احوال در مورد تابعیت ایرانی در صورت احراز نسب ۱۲۴
 ۵. حق انتخاب نام کوچک ۱۲۸
 ۶. شهادت خلاف مندرجات شناسنامه ۱۳۱
 ۷. دادگاه صلاحیت‌دار در دعوی ابطال سند سجلی ۱۳۳
 ۸. مرجع اصلاح اشتباهات در تحریر اسناد سجلی ۱۳۴
 ۹. تردید در تابعیت و تکلیف صدور شناسنامه ۱۳۷
 ۱۰. عدم قابلیت استماع دعوی تغییر تاریخ تولد و ابطال سند سجلی مربوط ۱۳۹
 ۱۱. رد قابلیت اصلاح تاریخ تولد سجلی به بیش از ۵ سال ۱۴۱
 ۱۲. حق تغییر نام ۱۴۳
 ۱۳. صلاحیت محلی دادگاه و خواندگان دعوی تغییر نام در سند سجلی ۱۴۵
 ۱۴. تقاضای تغییر نام توسط ولی ۱۴۶
 ۱۵. لزوم مناسب بودن نام جدید در تغییر نام ۱۴۸

۱۶. امکان ابطال سند سجلی با شهادت شهود ۱۵۰
۱۷. حکم به اصلاح شناسنامه از حیث تغییر نام کوچک ۱۵۴
۱۸. صرف شهرت به نام دیگر موجبی برای صدور حکم به تغییر نام نخواهد بود. ۱۵۶
۱۹. حق انتخاب نام کوچک ۱۵۹
۲۰. عدم امکان تغییر نام کوچک نیکو و مناسب ۱۶۱
۲۱. عدم تضييع حقوق ديگران با تغيير نام کوچک ۱۶۳
۲۲. رد ابطال شناسنامه به وسيله استشهاده ۱۶۶
۲۳. عدم امکان ابطال شناسنامه به صرف شهادت شهود ۱۶۸
۲۴. عدم تراحم تغيير نام با خدشه به سند رسمي ۱۷۰
۲۵. اصلاح نام در شناسنامه تنها در موارد مشخص شده ۱۷۲
۲۶. نحوه اصلاح اسم والدين مندرج در شناسنامه ۱۷۴
۲۷. صدور سجل احوال برای اشخاص متولد شده در ایران ۱۷۵
۲۸. تذکر مرجع تجدیدنظر به دادگاه بدوی به لحاظ عدم رعایت قوانین ۱۷۹
- ۱۸۷. دعوای ابطال و اصلاح شناسنامه در نشست‌های قضائی**
۱. مغایرت در اسامی شناسنامه و اثبات نسب ۱۸۹
۲. اصلاح سن غیر واقعی در شناسنامه ۱۹۰
۳. درخواست تغییر نام در دادگاه قابل پذیرش است ۱۹۲
- ۱۹۵. دعوای ابطال و اصلاح شناسنامه در نظریه‌های مشورتی**
۱. دعوی تعلق شناسنامه ابطال شده ۱۹۷
۲. درخواست صدور شناسنامه برای طفلی که والدین و بستگانش در دسترس ۱۹۷
۳. مخالف صدور شناسنامه به استناد کارشناس ۱۹۸
۴. اعتبار حکم صادر از دادگاه صلح مستقل در اختلافات سجلی ۱۹۹
۵. هزینه دادرسی دعوی تصحیح با ابطال شناسه ۲۰۰
۶. صدور شناسنامه به تقاضای مادر صغیر ۲۰۰
۷. قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی ۲۰۱
۸. سند سجلی تا زمانی که با صدور حکم قطعی از اعتبار نیفتاده ملاک عمل است ۲۰۲
۹. قانون لغو انگشت‌نگاری مصوب سال ۱۳۶۸ ماده ۳۸ قانون ثبت احوال را نسخ ۲۰۲
۱۰. الزام به صدور شناسنامه از سوی دادگاه عمومی ۲۰۳
۱۱. کشف اشتباه در مندرجات اسناد سجلی که منطبق با ماده ۳ قانون ثبت احوال ۲۰۴
۱۲. صدور شناسنامه ایرانی برای همسر و اولاد صغیر ۲۰۴

۲۰۵.....	۱۳. دعاوی اثبات نسب و ابطال شناسنامه
۲۰۶.....	۱۴. دادگاه صالح برای تغییر نام
۲۰۷.....	دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه در قوانین و مقررات قانونی
۲۰۹.....	مصوب ۱۶ تیر ۱۳۵۵ مجلس شورای ملی با اصلاحات بعدی
۲۰۹.....	فصل اول - کلیات
۲۱۲.....	فصل دوم - اسناد و دفاتر ثبت احوال
۲۱۳.....	فصل سوم - ثبت ولادت
۲۱۸.....	فصل چهارم - ثبت وفات
۲۲۱.....	فصل پنجم - ازدواج و طلاق
۲۲۳.....	فصل ششم - صدور شناسنامه
۲۲۵.....	فصل هفتم - صدور کارت شناسایی
۲۲۵.....	فصل هشتم - نام خانوادگی
۲۲۶.....	فصل نهم - تعویض شناسنامه‌های موجود و نقل آن به دفاتر ثبت کل وقایع
۲۲۸.....	فصل دهم - تهیه مقدمات اجرای قانون
۲۲۸.....	فصل یازدهم - مقررات کیفری
۲۳۱.....	آیین‌نامه اجرایی تبصره (۲) اصلاحی ماده (۵) قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۶۳
۲۳۵.....	قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب ۱۳۵۷
۲۳۶.....	قانون تخلفات، جرایم و مجازاتهای مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه
۲۴۲.....	آیین‌نامه طرز رسیدگی هیأت‌های حل اختلاف موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال کشور
۲۴۶.....	قانون الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع ایرانی
۲۴۸.....	آیین‌نامه اجرایی قانونی الزام اختصاصی شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع
۲۵۳.....	از قانون مدنی
۲۵۳.....	کتاب سوم (مصوب ۱۳۱۳/۱۱/۲۷) - در اسناد سجل احوال
۲۵۵.....	منابع و مأخذ

مقدمه

معمولاً رویه عملی دادگاه‌ها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصادیق واقعی تا حدودی متفاوت است، با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود که البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات به صورت تئوری و بدون تطبیق با مصادیق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولاً چون امکان انجام کار عملی قبل از خروج از دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی وارد مرحله کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاه‌ها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با ورود به میدان کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی تردید تنها منبع آموزش عملی و کالت، قضاوت و به‌طور کلی حقوق، بعد از حضور عملی در دادگاه‌ها و جلسات رسیدگی، همین رویه قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلاف‌نظرهای کسانی که هر روز به‌صورت عملی در حال انطباق قوانین با مصادیق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خواننده قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی نمی‌تواند بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع روح زنده و محرک رشته حقوق است که دائم در

حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه به قیمت عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوقدانان تمام خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هرکدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظیفه فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی به صورت منظم و منحصر به فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعاوی یک کتاب جداگانه به صورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعاوی اقدام نماید. در راستای تأمین این هدف مجموعه‌ای از کتاب‌ها هرکدام تحت عنوان کلی «دعوائی... در رویه دادگاه‌ها» شامل موارد زیر تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛

۲. آرای اصراری؛

۳. آراء شعب دیوان عالی کشور

۴. آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر؛

۵. نشست‌های قضائی؛

۶. نظریه‌های مشورتی؛

۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

۸. نمونه دادخواست و معرفی دعاوی.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعاوی به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعه به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء

دادگاه‌ها (دادگاه بدوی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد؛ مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد.
مختصر ویژگی‌های کتاب:

۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛
 ۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هر کدام از مطالب؛
 ۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛
 ۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛
 ۵. دسترسی سهل و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.
- «گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پربار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

یک هزار و سیصد و نود و شش

فصل اول

معرفی و نمونه دادخواست
دعوی ابطال و اصلاح شناسنامه

معرفی دعوی اصلاح و ابطال شناسنامه

در حال حاضر یکی از دعاوی که مراجع قضایی را به خود مشغول کرده تغییرات در مندرجات شناسنامه اعم از تاریخ تولد یا نام و نام خانوادگی می باشد در این نوشته به اختصار به بررسی شرایط طرح هر دو دعوا و مرجع صالح برای رسیدگی به این نوع دعاوی به همراه نمونه دادخواست ها یا درخواست آن خواهیم پرداخت.

مبحث اول: دعوی تغییر سن تولد

در اهمیت ولادت همین بس که اهلیت انسان برای دارا شدن حقوق بازنده متولد شدن شروع و با مرگ وی به اتمام می رسد و در بسیاری از موارد قانونی شرط منتفع شدن از حقوق به زنده متولد شدن موقوف شده است بنابراین وجود فرض قانونی مشخص برای تاریخ تولد آثار بسیاری دارد که نباید این فرض با هر ایراد کوچک و بدون محکمه پسندی خدشه دار شود بلکه باید در حفظ آن کوشید.

در حمایت از این هدف مقنن در سال ۱۳۶۷ قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها را تصویب نمود براساس این قانون تغییر تاریخ تولد اشخاص ممنوع شد مگر در موارد خاص با رعایت تشریفات که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

اگر خواهان درخواست تغییر سن خود را بنماید با توجه به نوع درخواست (تغییر سن به بیش از پنج سال یا تغییر سن به کمتر از پنج سال) مرجع صالح رسیدگی متفاوت خواهد بود.



گفتار اول: مرجع صالح به دعوا دادگاه می باشد

در صورتی که شرایط ذیل بر دعوا خواهان حاکم باشد مرجع صالح به درخواست وی دادگاه عمومی حقوقی محل اقامت خواهان می باشد در این خصوص ماده ۴ قانون ثبت احوال مقرر می دارد: «... رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می آید و رأی دادگاه فقط پژوهش پذیر است هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذینفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو در خارج از کشور باشد با دادگاه شهرستان تهران خواهد بود.»

اولاً: خواسته خواهان تغییر سن باشد.

ثانیاً: درخواست تغییر سن باید تا پنج سال باشد.

ثالثاً: افزایش یا کاهش سن تا پنج سال موثر در مقام نیست.

رابعاً: تنها یکبار در طول عمر صاحب شناسنامه این دعوا امکان دارد.

در تایید این موضوع رأی وحدت رویه شماره ۵۹۹ مورخ ۱۳۷۴/۱۳ چنین مقرر داشته است: «براساس ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها، مصوب بهمن ماه هزار و سیصد و شصت و هفت، تغییر تاریخ تولد اشخاص به کم تر از پنج سال ممنوع می باشد و رسیدگی به درخواست تغییر سن، بیش از پنج سال به تجویز تبصره همین قانون، منحصرأً به عهده کمیسیون مقرر در آن محول شده است بنا به مراتب، به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه ششم که مرجع رسیدگی و اظهار نظر نسبت به درخواست تغییر